

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

عنوان پژوهش :

مبانی استقلال سیاسی از دیدگاه امام «ره»

پژوهشگر و نویسنده :

محمد گلک خیبری



پژوهشگر و نویسنده:

محمد گلک خیبری

مبانی استقلال سیاسی از دیدگاه امام «ره»

از جمله مسائل قابل توجه و مهمی که حضرت امام^(ره) به عنوان رهبر و بنیان گذار نظام مقدس جمهوری اسلامی در راستای کسب، حفظ و استمرار استقلال سیاسی ترسیم نموده اند مبانی استقلال طلبی سیاسی می باشد. این مبانی سهم غیر قابل انکاری در تضمین حیات سیاسی و قطع سلطه استکبار جهانی و رهایی از وابستگی داشته اند که مهمترین آنها به شرح ذیل می باشند:

الف) تاکید بر همگانی بودن امور سیاسی

امام «ره» مشارکت و دخالت در تعیین سرنوشت را برای ملت یک تکلیف می داند و خواستار دخالت ملت در امور سیاسی بوده و آن را تکلیف همگانی می داند. باور امام این است؛ که همه اقشار باید در سیاست دخالت کنند زیرا سیاست اثر نیست که مال دولت یا مجلس باشد یا افراد خاصی، بلکه سیاست را وضع چیزهایی می داند که در یک کشور بویژه از حیث اداره آن کشور می گذرد. در یک نگاه می توان گفت که؛ برداشت ایشان از دین اسلام این است که اسلام یک دین سیاسی است. یعنی دینی است که؛ همه چیزش سیاست است حتی عبادات آن. (1)

ایشان پیرامون همگانی بودن امور سیاسی می فرمایند: «همه باید توجه به این مسائل داشته باشید. مسائل

سیاسی مال همه است. همه باید مراعات بکنید و...» (2)

ایشان به منظور تحقق، حفظ و استمرار استقلال سیاسی و نیل به استقلال طلبی کامل ضمن تأکید بیشتر بر همگانی بودن امور سیاسی لزوم نظارت مردم بر دولت و مجلس و سفارش روحانیون و همچنین خانمها، در امور سیاسی متذکر و آثار منفی عدم حضور در عرصه سیاسی جامعه را گوشزد می فرمایند (3):

« باید همهٔ زنها و همه مردها در مسائل اجتماعی، در مسائل سیاسی، وارد باشند و ناظر باشند. هم به مجلس ناظر باشند، هم به کارهای دولت ناظر باشند. اظهار نظر بکنند... اظهار نظر بکنند در مسائل سیاسی، در مسائل اجتماعی، در...» (4)

« ... زنها باید در فعالیتهای اجتماعی و سیاسی همدوش مردها باشند، البته با حفظ آن چیزی که اسلام فرموده است...» (5)

« ... و بدانیم و بفهمیم که نظام اسلام و اجرای احکام آسمانی آن و مصالح ملت و کشور اسلامی و حفظ آن از دستبرد اجانب بستگی به دخالت اقشار ملت و بویژه روحانیون محترم و مراجع معظم دارد و...» (6)

در واقع امام با تأکید بر همگانی بودن امور سیاسی و مشارکت در این زمینه یک مبانی مهمی در تحقق و استمرار استقلال طلبی سیاسی ارائه کرده اند.

(ب) تأکید بر پیوستگی دین و سیاست

اگر چه عوامل متعدد و مختلفی به عنوان زمینه‌های پیدایش تفکر جدایی دین و سیاست طرح گردیده‌اند که جای پرداختن به آن در این نوشتار نیست، اما باید توجه داشت که یکی از عوامل مؤثر در پیدایش و رواج این تفکر حکام و پادشاهان مستبد بوده‌اند که سیاست‌های آنها نه تنها با ارزشها، قوانین و تعالیم دینی و اجتماعی اسلام سازگار نبوده بلکه حتی گاهی در تعارض نیز بوده است. این عده دخالت دین و علمای دین در سیاست و حکومت را مانع عمده در اعمال برنامه‌ها و استمرار حرکت و سیاست‌های زورگویانه و استبدادی و یا همسویی با بیگانه می‌دیدند. از این رو با تفکیک قائل شدن برای حوزه و قلمرو فعالیت و دخالت دین در سیاست و تلاش برای انزوای علمای اسلام و محدود کردن آنها به فعالیت‌های عبادی کوشش بسیار نمودند. (7)

عامل دیگری که در پیدایش و ترویج این تفکر نقش عمده ایفا نموده است قدرت‌های بزرگ، سلطه-گر و استعمارگر بوده‌اند که به دنبال سلب استقلال سیاسی کشور و ملت بوده‌اند و حضرت امام «ره» به عنوان یک رهبر و اندیشمند اسلامی و به منظور استمرار استقلال کشور بویژه در بعد سیاسی از همان ابتدا بر پیوستگی دین و سیاست به عنوان یک مبنای اساسی با تمسک به آیات و روایات اسلامی تأکید وافر داشتند و در این رابطه می‌فرمایند:

« اسلام را به مردم معرفی کنید تا نسل جوان تصور نکند که آخوندها... کاری به

سیاست ندارند و باید دیانت از سیاست جدا باشد و علمای اسلام در امور اجتماعی و سیاسی دخالت نکنند استعمارگران گفته و شایع کرده‌اند... مگر زمان پیامبر اکرم «ص» سیاست از دیانت جدا بود؟ ... این حرف‌ها را استعمارگران و عمال سیاسی آنها درست کرده‌اند تا دین را از تصرف امور دنیا و تنظیم جامعه مسلمانان بر کنار سازند و ضمناً علمای اسلام را از مردم و مبارزان راه آزادی و استقلال جدا کنند در این صورت می‌توانند بر مردم مسلط شده و ثروت‌های ما را غارت کنند». (8)

در حقیقت امام «ره» با تأکید بر پیوستگی دین و سیاست و بهره‌گیری از پتانسیل‌های موجود در مبانی دین مبین اسلام بویژه اصل قرآنی نفی سلطه کفار بر مؤمنین، بدنبال قطع سلطه و تجاوز استعمارگران در استثمار سیاسی، اقتصادی ملت ایران و استمرار استقلال سیاسی کسب شده بوده‌اند. همچنین طرح تشکیل حکومت اسلامی، ولایت فقیه و... نیز مؤید امر فوق می‌باشد.

ج) مردم گرایی و حمایت از محرومین

یکی دیگر از مبانی حضرت امام در نیل به استقلال سیاسی و استمرار آن تأکید بر مردم گرایی و بلاخص حمایت از محرومین استوار می‌باشد. ایشان رسیدگی به مشکلات و مسائل مردم و حمایت از آنان را باعث تداوم نظام سیاسی و عدم وابستگی به بیگانگان می‌دانند (9). همچنین بر این عقیده‌اند که، حفظ کشور و استقلال آن بویژه در بعد سیاسی با پشتوانه مردمی، کسب رضایت آنان، پشتیبانی از مستضعفین و توجه به طبقات پایین، رسیدگی به زندگی محرومان، حل مشکلات مردم و نهایتاً دفاع و خدمتگزاری به محرومین میسر می‌باشد (10).

ایشان در تبیین مردم گرایی و حمایت از محرومین می‌فرمایند:

در جمهوری اسلامی اینطور مسائلی که زورگویی باشد نیست. فقیر و غنی، نمی‌تواند طبقه غنی بر طبقه فقیر زور بگوید، نمی‌تواند استثمار کند و... باید مستضعفین را حمایت بکنند، باید مستضعفین تقویت بشوند، ... (11)

در بیانی دیگر می‌فرمایند:

« جلب نظر مردم از اموری است که لازم است. پیغمبر اکرم «ص» جلب نظر مردم را می‌کرد، دنبال این بود که مردم را جلب کند و... شما گمان نکنید که قدرت نظامی شما را نگه داشته است، قدرت ایمان شما را نگه داشته است و پشتیبانی ملت. این را باید، این پشتوانه

را باید حفظش بکنید. اگر این پشتوانه ... یک وقتی از دست ما برود، همه ما از بین خواهیم

رفت و...» (12)

در حقیقت امام «ره» حمایت از محرومین و مردم گرایی را از مؤلفه‌ها و مبانی اساسی در نیل، حفظ و استمرار استقلال سیاسی می‌دانستند. به عبارت بهتر پشتوانه استقلال سیاسی و حفظ آن را مردم، بویژه محرومان و مستضعفان می‌دانستند که در این راستا امام «ره» بر لزوم توجه، عدالت‌گرایی و رفع تبعیض تکیه داشته‌اند و آن را یکی از عوامل امیدواری مردم و ضامن بقای استقلال کشور در ابعاد مختلف بویژه بعد سیاسی می‌دانند. ایشان با طرح و پرداختن به موضوع اقامه عدالت آن را مقصد ائمه، عاملی در جهت رفع ستم از همه مردم، نفی استمرار حکومت ستمگر، نفی تبعیض، رفتاری علانیه با همه مردم و... می‌دانند که این امر نقش به‌سزایی در استقلال سیاسی کشور دارد. (13)

د) نترسیدن از دشمن

یکی از شیوه‌های معمول دشمن برای تطمیع ملت‌ها، بزرگ جلوه دادن قدرت کاذب خود به منظور ایجاد خوف و ترس در دل آنان است؛ بطوری که با احساس ترس از قهر و غضب قدرت‌های بزرگ، فکر ایستادگی، مبارزه و جنگ را در سر نپروراندند. البته این شیوه امروزه همراه با حجم شدید جنگ روانی و تبلیغاتی محافل وابسته به بیگانگان تاحدودی کار ساز بوده است. (14)

حضرت امام «ره» یکی از مبانی و اصول در بحث استقلال سیاسی را نترسیدن از دشمن، همراه با تقویت انگیزه خداگرایی بیان می‌فرمایند:

« ما از جنگ نباید بترسیم، پیغمبر اکرم «ص» جنگ کرده است برای اسلام، حضرت

امیر جنگ کرده است برای اسلام ... ما جوانها را داریم . یک ملتی هستیم که با وحدت کلمه

و با اتکال به خدای تبارک و تعالی همه چیز را می‌توانیم پیش ببریم. هیچ خوف از این مسائل

نداریم و...» (15)

امام «ره» در راستای بحث نترسیدن از دشمن، بحث نهراسیدن از انزوا را نیز مطرح کرده‌اند؛ بطوریکه در انزوا قرارداد کشور و ملت را یکی از حربه‌های قدرت‌های استکباری علیه حرکت‌های آزادیخواهانه و ضد ستم می‌دانند که به منظور تحریم اقتصادی و انزوای سیاسی و دریک کلام سلب استقلال سیاسی کشورها صورت می‌پذیرد، لذا ایشان در جهت عکس این قضیه، انزوای سیاسی را در راستای استقلال سیاسی امری مؤثر دانسته‌اند و آن را موجب خودباوری و اتکال به خلاقیت‌های بومی و خودی می‌دانند (16):

« منزوی نبودن، یعنی متکی بودن به غیر، یعنی اسیر بودن، منزوی هستیم، یعنی ارتباط

با دیگران قطع است و ما نوکر دیگران نیستیم ... ما از این انزوا نمی‌ترسیم؛ ما استقبال می‌کنیم از چنین انزوایی که ما را وادار می‌کند که خودمان به فکر خودمان بیافتیم ... ملت غیر منزوی، یعنی ملتی که اتکایش به دیگران است» (17).

البته باید توجه کرد که امام (ره) قائل به نظریه انزوا نیست بلکه امام ضمن تأکید بر تحکیم روابط با دیگر کشورها و بیان ضوابط در برقراری ارتباط، نظریه انزوای سیاسی را بشدت رد کرده‌اند و تنها آن انزوایی را قبول دانسته‌اند که به جهت تعدی و ظلم و ستم دشمن اتخاذ شده است:

« ما نمی‌خواهیم در یک کشوری زندگی کنیم که از دنیا معزل باشد... این غیر معقول است... اسلام یک نظام اجتماعی و حکومتی است و می‌خواهد با همه عالم روابط داشته باشد» (18).

« ما با همه ملت‌های عالم می‌خواهیم دوست باشیم ، با همه دولت‌های عالم به حسب طبع اولی می‌خواهیم دوست باشیم . می‌خواهیم که روابط حسنه با احترام متقابل نسبت به همه داشته باشیم . مگر اینکه دولت‌هایی باشند که با ما خلاف رفتار کرده باشند و بخواهند به ما ظلم بکنند و سلطه جویی کنند بر ما» (19).

و) قطع سلطه سیاسی استکبار

یکی دیگر از مبانی حائز اهمیت در استقلال طلبی سیاسی که حضرت امام «ره» از ابتدای پیروزی انقلاب اسلامی و حتی می‌توان گفت سالها قبل از شروع نهضت عظیم انقلاب اسلامی ایران تا زمان رحلت خود مد نظر داشته‌اند مبارزه دائمی و قطع سلطه استکبار بوده است. اتخاذ این مبنا که با منافع و اهداف سلطه‌گران و ستم‌پیشگان در تضاد بوده و است باعث گردید هیچ‌گاه سردمداران کفر و استکبار، ظهور انقلاب اسلامی را تحمل نکرده و به مقابله همه جانبه با آن برخیزند و همواره دست به شیطنت بزنند (20). لذا امام «ره» در این خصوص می‌فرمایند:

« من باز می‌گویم همه مسئولان نظام و مردم ایران باید بدانند که غرب و شرق تا شما را از هویت اسلامیتان، به خیال خام خودشان ، بیرون نبرند، آرام نخواهند نشست . نه از ارتباط با متجاوزان خشنود شوید و نه از قطع ارتباط با آنان رنجور، همیشه با بصیرت و چشمانی باز به دشمنان خیره شوید و آنان را آرام نگذارید که اگر آرام گذارید، لحظه‌ای آرامتان نمی‌گذارند» (21).

امام «ره» برای تثبیت استقلال سیاسی و قطع سلطه استکبار در تمامی ابعاد آن بویژه بعد سیاسی آن در گام نخست به تقویت اراده عمومی و آگاه نمودن آنان برای دفاع از منافع خود اقدام نمودند و با تعمیق آگاهی و هشیاری دائمی فرمودند:

« ... و امروز همه مصیبت و عزای آمریکا و شوروی و غرب در این است که نه تنها ملت ایران از تحت الحمایگی آنان خارج شده است که دیگران را هم به خروج از سلطه جباران دعوت می‌کند. » (22)

تدبیر و تیزبینی حضرت امام «ره» باعث شده بود تا ضمن آگاه و هشیار نمودن ملت، در گام بعد بر این نکته نیز تاکید نمایند که؛ ملت نباید سرنوشت خود را به دست حکام مستبد، وابسته و دست نشانده بسپارد که این امر نیز حکایت از توجه ژرف امام «ره» به استقلال سیاسی می‌باشد:

« ... نباید ملت‌ها بنشینند تا این که از جای دیگر و کسان دیگر، آنها را نجات بدهند. مبدأ نجات ، از خود ملت است. » (23)

سومین گام در زمینه قطع سلطه استکبار و کسب استقلال سیاسی، رعایت و حفظ همیشگی سیاست بین المللی نظام جمهوری اسلامی ایران می‌باشد که تحت عنوان « اصل نه شرقی و نه غربی » که از شعارهای اصولی انقلاب اسلامی می‌باشد تجلی می‌یابد. از این رو ایجاد خدشه در آن راه، از سوی هرکس و هر مقامی جایز ندانسته و رعایت دقیق و حفظ آن را ضروری قلمداد می‌نمایند: (24)

« شعار نه شرقی و نه غربی ما ، شعار اصولی انقلاب اسلامی در جهان گرسنگان و مستضعفین بوده و ترسیم کننده سیاست واقعی عدم تعهد کشورهای اسلامی و... است که ... و کسی گمان نکند که این شعار، شعار مقطعی است ، که این سیاست ، ملاک عمل ابدی مردم ما و جمهوری اسلامی ما و... است. » (25)

به هر حال ایشان با اتخاذ این شعار اصولی ضمن اینکه هدایت و طرد طرفداران شرق و غرب را سرلوحه عمل قرار می‌دهند خواستار ارتباط با سایر کشورها؛ برپایه احترام متقابل، نفی ستم و ستم‌پذیری در ارتباط با سایر کشورها، تقدم رابطه با دولت‌های دوست، نفی مسالمت با خیانتکاران ، نفی سلطه‌گری و سلطه‌پذیری، نفی هر گونه تجاوز و مبارزه با تسلط بیگانگان اصرار داشته و می‌فرمایند (26):

«باید تمامی قدرت‌ها و ابرقدرت‌ها بدانند که ما تا آخرین نفر و تا آخرین منزل و تا

آخرین قطره خون برای اعتلای کلمه الله ایستاده‌ایم و برخلاف میل تمامی آنان ، حکومت نه

شرقی نه غربی را ... پایه‌ریزی خواهیم نمود». (27)

کلام آخر در بحث قطع سلطه استکبار بعنوان یکی از مبانی استقلال سیاسی اینکه امام می‌فرمایند:

«برای استقلال کامل باید دست شرق و غرب را کوتاه کرد و این کار را خواهیم کرد». (28)

ه) تبیین جمهوریت و اسلامیت نظام

یکی از مبانی اساسی در بحث استقلال سیاسی تبیین جمهوریت و اسلامیت نظام جمهوری اسلامی ایران است که در شعار اساسی ملت ایران یعنی «استقلال، آزادی، جمهوری اسلامی» تبلور یافته است. ملازم بودن این سه رکن با یکدیگر غیر قابل انکار است. آنچه در این شعار که از مطالبات اصلی ملت ایران بویژه در عرصه استقلال سیاسی بود و بیشتر عرصه واگویی دارد، بحث جمهوریت و اسلامیت نظام جمهوری اسلامی ایران است.

در واقع امام در تبیین جمهوریت و اسلامیت نظام جمهوری اسلامی ایران بحث استقلال سیاسی را مد نظر دارند و در این راستا محتوا را اسلامی و شکل را جمهوری می‌دانند:

« حکومت اسلامی، حکومتی است برپایه قوانین اسلامی، در حکومت اسلامی

استقلال کامل حفظ می‌شود ما خواستار جمهوری اسلامی هستیم. جمهوری، فرم و شکل

حکومت را تشکیل می‌دهد و اسلامی، یعنی محتوای آن فرم، حفظ قوانین الهی است». (29)

ایشان معنای جمهوری اسلامی را اتکاء به آرای اکثریت و معنای اسلامیت را اتکاء قوانین حکومت به قوانین اسلام بیان می‌فرمایند:

« اما جمهوری، به همان معنایی است که همه جا جمهوری است. لکن این جمهوری

بریک قانون اساسی‌ای متکی است که قانون اسلام است...». (30)

در بیانی دیگر می‌فرمایند:

«اما شکل حکومت ما، جمهوری اسلامی است. جمهوری به معنای اینکه متکی بر

آرای اکثریت است و اسلامی برای اینکه متکی به قانون اسلام است و...». (31)

امام «ره» جمهوری را بر پایه سیره پیغمبر «ص» و علی «ع» و تحقق اسلام را در گروه جمهوری

اسلامی می‌دانند بطوریکه این دیدگاه ایشان به نفی معنای دموکراتیک منجر می‌گردد:

« حکومت جمهوری اسلامی مورد نظر ما از رویه‌ی پیامبر اکرم «ص» و امام علی «ع»

الهام خواهد گرفت و متکی به آرای عمومی ملت خواهد بود و... » . (32)

و اینکه :

« جمهوری اسلامی دموکراتیک، ملت ما این را قبول نکرد. گفتند ما همان، آنکه ما می

فهمیم اسلام را می‌فهمیم. از جمهوری هم می‌فهمیم چیست؟! اما دموکراتیکی که در طول تاریخ،

پیراهنش عوض کرده ، هر وقت یکی را، الآن این دموکراتیک در غرب یک معنا دارد و در

شرق یک معنا دارد و... ما یک چیزی را که نمی‌فهمیم چه ادعایی داریم که ذکرش نکنیم و

رأی نمی‌توانیم به آن بدهیم. آنی که می‌فهمیم، ما اسلام را می‌دانیم چی هست». (33)

ایشان اساس کار نظام را پیاده کردن قوانین اسلامی و تحقق جمهوری اسلامی می‌دانند و با دنبال

کردن این امر به دنبال تحقق استقلال سیاسی بوده‌اند:

«باید راه و رسمی را انتخاب کرد که مورد موافقت و علاقه مجموع جامعه باشد و این

جمهوری اسلامی است . اساس کار یک جمهوری اسلامی، تأمین استقلال مملکت و آزادی

ملت‌ها و مبارزه با فساد و فحشا و تنظیم و تدوین قوانین است و...» (34)

به هر حال ایشان با ترسیم و تبیین جمهوریت و اسلامیت بعد از پیروزی انقلاب شکوهمند اسلامی

ایران به دنبال کسب استقلال بویژه استقلال سیاسی و کوتاه کردن دست استعمارگران خارجی و استبداد

داخلی و تمامی ایادی وابسته به آنان بودند و با تعریف جامع در این زمینه اهداف مورد نظر را محقق نموده-

اند ولذا خالی از لطف نیست که در بحث استقلال سیاسی ما همواره جمهوریت و اسلامیت نظام را بعنوان

یک مبنای اساسی در نظر داشته باشیم.

پی نوشت ها :

- 1- موسسه نشر و تنظیم آثار و اندیشه های حضرت امام ، " حکومت اسلامی ولایت فقیه " ، چ دوم ، (تهران : عروج ، 1386) صص 36-37
- 2- موسسه نشر و تنظیم آثار و اندیشه های حضرت امام ، " صحیفه نور " چ دوم ، ج 15 (تهران : بی تا) صص 236-237
- 3- موسسه نشر و تنظیم آثار و اندیشه های حضرت امام ، " حکومت اسلامی ولایت فقیه " ، (تهران : عروج ، چ دوم ، 1386 ، صص 37-42
- 4- صحیفه نور ، پیشین ، چ دوم ، ج 13 ، ص 193
- 5- همان ، ج 18 ، ص 403-404
- 6- همان ، ص 235-236
- 7- معاونت سیاسی نمایندگی ولی فقیه در نیروی زمینی سپاه ، " حدیث ماندگاری " ، (تهران : 1378) صص 70-71
- 8- موسسه نشر و تنظیم آثار و اندیشه های امام خمینی " رساله ولایت فقیه " (تهران : عروج ، 1373 ، ص 23
- 9- اسماعیل منصوری لاریجانی ، " سیری در اندیشه های دفاعی امام خمینی " (تهران : بنیاد حفظ آثار و ارزش های دفاع مقدس ، 1377) ص 57
- 10- حکومت اسلامی و ولایت فقیه ، پیشین ، صص 384-387
- 11- صحیفه نور ، پیشین ، ج 6 ، ص 461
- 12- همان ، ج 17 ، ص 251-252
- 13- حکومت اسلامی و ولایت فقیه ، پیشین ، صص 398-400
- 14- منصوری لاریجانی ، پیشین ، صص 61-62
- 15- صحیفه نور ، پیشین ، ج 13 ، ص 144
- 16- منصوری لاریجانی ، پیشین
- 17- صحیفه نور ، پیشین ، ج 13 ، صص 146-147
- 18- همان ، ج 19 ، ص 413
- 19- همان ، ج 11 ، ص 153
- 20- منصوری لاریجانی ، پیشین ، ص 55
- 21- صحیفه نور ، پیشین ، ج 21 ، ص 109
- 22- همان ، ج 20 ، صص 237-238
- 23- همان ، ص 232
- 24- منصوری لاریجانی ، پیشین ، صص 60-61
- 25- صحیفه نور ، پیشین ، ص 114
- 26- حکومت اسلامی و ولایت فقیه ، پیشین ، صص 460-470
- 27- صحیفه نور ، پیشین ، ص 61
- 28- همان ، ج 11 ، ص 161
- 29- همان ، ج 5 ، ص 398
- 30- همان ، ج 4 ، ص 479
- 31- همان ، ج 5 ، ص 181
- 32- همان ، ج 4 ، ص 334
- 33- همان ، ج 11 ، صص 457-458
- 34- همان